بازخوانی حوادث پیش از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ که منجر به آغاز جنگی هشت ساله شد

ساده‌لوحی بنی‌صدر با استراتژی «زمین بدهیم و زمان بگیریم!»

احمد محمدتبریزی

با آنکه در تقویم‌های رسمی، جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شروع می‌شود، ولی با نگاهی ریزبینانه به روابط بین ایران و عراق در روزهای آخر شهریور، می‌توان آغاز یک جنگ سنگین را پیش‌بینی کرد. سران حکومت وقت بغداد که با پیروزی انقلاب اسلامی به دنبال بهانه‌های واهی و دشمن‌تراشی بودند در سال ۱۳۵۹ به صورت علنی به مرزهای ایران تجاوز و تعرض کردند و به خیال اینکه ایرانی‌ها توان مقابله با ارتش مسلح شده‌شان را ندارند، در آخرین روز شهریور تهاجمی همه‌جانبه را به اجرا گذاشتند.

هنگامی که صدام را در سال ۲۰۰۳ از مخفیگاهش بیرون کشیدند و پای میز محاکمه نشاندند، بازجویان او را به دلیل آغاز جنگی خانمانسوز علیه ایران مورد تفتیش قرار دادند. کاری که باید دو دهه قبل انجام می‌شد اما گره خوردن منافع قدرت‌های بزرگ با جنون صدام آنها را از این کار بازمی‌داشت. وقتی صدام به عنصری بی‌مصرف جهت پیاده‌سازی سیاست‌های کشورهای غربی تبدیل شد، آنها او را مورد بازخواست قرار دادند و از دلایل تهاجمش به ایران پرسیدند. این بازجویی‌ها هرچند دیر انجام شد ولی به جهت ماندن در تاریخ و خواندن نسل‌های بعدی و روشن شدن اذهان عمومی ارزش فراوانی دارد.

■ بغض ۱۹۷۵

صدام از انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بغض فروخورده‌ای داشت و همچون ماری زخمی به دنبال ضربه زدن به ایران بود. رئیس‌جمهور معدوم عراق می‌گفت که جنگ تحمیلی در روز ۴ سپتامبر آغاز شد، نه ۲۲ سپتامبر که دولت ایران معتقد به آن است. یعنی جنگ برای صدام و هم‌پیمانانش از دو هفته قبل به صورت رسمی آغاز شده بود و آنها از مدت‌ها قبل خودشان را آماده جنگی همه‌جانبه کرده بودند.

دیکتاتور سابق عراق عقیده داشت که ارتش ایران در سال ۱۹۸۰، ضعیف و «فاقد رهبری» بود چون اکثر افسران عالی‌رتبه ارتش در وقایع انقلاب از مقام خود خلع شده بودند. صدام در تناقض‌گویی‌هایش درباره دلایل حمله به ایران می‌گوید که این سؤال را باید از ایرانی‌ها بپرسید، چون آنها جنگ را آغاز کردند!

آنچه از صحبت‌های سران وقت بغداد استنباط می‌شود این است که آنها به دلیل وضعیت سیاسی و نظامی ایران برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی و رسیدن به منافع‌شان دندان تیز کرده بودند. طبق گزارش وزارت خارجه ایران، ارتش عراق در دوره‌ای ۱۹ ماهه پیش از شروع جنگ، بیش از ۳۹۷ بار به مرزهای زمینی، هوایی و دریایی ایران حمله کرده است. آماری که نشان از شدت و وسعت عمل بعثی‌ها دارد.

■ احراز جنگ از دو ماه قبل

«قدرت‌الله هزاوه» که قبل از شروع جنگ در پادگان لشکر ۹۲ زرهی در مرز خدمت می‌کرد، درباره اتفاقات پیش از شروع جنگ می‌گوید: «عراق با توپخانه و هواپیما مرزهای‌مان را می‌زد و بعضی مواقع ما هم جواب‌شان را می‌دادیم. یک بار ارتش عراق به بخشی از خاکمان حمله و قسمتی را اشغال کرد که ما در جواب خودسرانه عمل کردیم و منطقه را بازپس گرفتیم. همان زمان دولت بنی‌صدر به این کارمان اعتراض کرد و به واحد ما که یک گروهان از گردان ۲۴۲ لشکر ۹۲ زرهی بود، اعلام کردند از منطقه برگردید و خودتان را به دادگاه معرفی کنید چون لغو دستور کرده‌اید. به نظرم بنی‌صدر در حال خیانت به کشور بود. عراق حمله می‌کرد، منطقه‌ای را می‌گرفت و تا مامی‌خواستیم حمله کنیم دستور عقب‌نشینی می‌آمد. اجازه درگیری به ما نمی‌دادند. ما هم همه ارتشی بودیم و قانون را می‌دانستیم و می‌گفتیم دلیل این عقب‌نشینی‌ها چیست؟ در جواب می‌گفتند می‌خواهیم زمین بدهیم و زمان بگیریم. نمی‌دانم روی چه حسابی این تصمیمات را می‌گرفتند. به ما می‌گفتند عراقی‌ها اصلاً جرأت نمی‌کنند پایشان را داخل خاکمان بگذارند. به همین خاطر به ما مهمات و نیرو نمی‌دادند. ما هم می‌گفتیم اگر نیرو و تانک ندارید حداقل مین بدهید تا داخل زمین کار بگذاریم و مانع نفوذشان شویم. عراقی‌ها در برابر هر تانک ما صد تانک می‌چیدند و بعد به ما می‌گفتند اینها جرأت نمی‌کنند یک قدم داخل خاک‌مان بیایند و اصلاً نگران نباشید. زمانی که عراق فرودگاه مهرآباد را بمباران کرد تازه دولتمردان وقت اعلام جنگ کردند در حالی که شروع جنگ برای ما از دو ماه قبل محرز شده بود. جنگ از ماه‌ها قبل کامل و علنی شروع شده بود و نمی‌دانم چرا اعلام جنگ نمی‌کردند؟ زمانی جنگ را به طور رسمی اعلام کردند که من اسیر شده بودم و خبرش را در اردوگاه از طریق رادیو شنیدم.»

■ تقویت بنیه نظامی عراق

عراق قبل از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ اقدامات مهمی مثل تقویت پاسگاه‌های مرزی، احداث سنگر و مواضع دفاعی، انتقال توپخانه به مرزها، تقویت نیروهای نظامی خود در طول مرز و شناسایی‌های مرزی و نفوذ به داخل خاک کشور ایران جهت آغاز جنگ انجام داده بود و در مقابل با اقدامی جدی از سوی ایران مواجه نشد. با اینکه از نگاه عراقی‌ها جنگ شروع شده بود، اما آرایش نظامی ایران اصلاً متناسب با آن وضعیت نبود و لشکرهای ارتش به جبهه جنوب کشور نرفتند و سازماندهی فوق‌العاده‌ای صورت نگرفت.

سردار جاویدالاثر حاج‌احمد متوسلیان، صحبت با بنی‌صدر درباره وضعیت مرزهای کشور در مواجهه با عراق را اینگونه تشریح کرد: «یک ماه قبل از شروع جنگ جلسه‌ای در اتاق جنگ لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه به ریاست بنی‌صدر تشکیل شد. در این جلسه آقایان ظهیرنژاد و صیاد شیرازی به همراه فرماندهان ارتشی ۳۰ منطقه نظامی از استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و نیز برادران محسن رضایی و محمد بروجردی به اتفاق مسئولان سپاه در کل منطقه غرب حضور داشتند. در این جلسه فرمانده سپاه قصرشیرین به وضعیت بسیار بد نیروهای ما در مرزها و حملات مکرر ارتش عراق به پایگاه‌های مرزی اشاره کرد و گفت دشمن در این منطقه از خیلی وقت پیش شروع به ساختن استحکامات نظامی کرده است و ما کمترین آمادگی رزمی را نداریم. در نهایت از بنی‌صدر سؤال شد که اگر به احتمال یک درصد عراق به ایران حمله کند شما چه تدبیری برای دفاع دارید؟ بنی‌صدر گفت عراق هرگز جرأت چنین کاری را ندارد. بروجردی گفت اگر به احتمال یک در هزار بخواهد در غرب از طریق قصرشیرین حمله کند و شهر را بگیرد شما برای مقابله با چنین مسئله‌ای چه تدبیری دارید؟ بنی‌صدر مجدداً گفت عراق هیچ وقت چنین غلطی نمی‌کند. برای اینکه هم در سطح بین‌المللی و سیاست جهان محکوم می‌شود و هم امنیت داخلی خودش به خطر می‌افتد. مطمئن باشید که صدام کشورش را به خطر نمی‌اندازد»!

> بنی‌صدر به عنوان فرمانده کل قوا هیچ‌گاه تحرکات و تهاجمات عراق پیش از ۳۱ شهریور را جدی نگرفت و با سهل‌انگاری و ساده‌اندیشی راه را برای گستاخی و جسارت بعثی‌ها باز کرد. در روزهایی که صدام ارتش بعث را به تمام تجهیزات مسلح می‌کرد و یارگیری منطقه‌ای و جهانی انجام می‌داد، ایران اقدام مناسبی جهت مقابله به کار نمی‌گرفت

سردار شهید حاج‌محمدابراهیم همت نیز در بخشی از خاطرات خود در مورد ماه‌های نخستین تهاجم عراق می‌نویسد: «ما پیش بنی‌صدر رفتیم و عنوان کردیم که از طریق نوسود می‌توانیم خیلی خوب روی مواضع عراق کار کنیم. عراق شهرهای نزدیک به نوسود دارد. فقط مشکل ما کمبود نیرو است اما او می‌گفت من حتی یک نفر نیرو به منطقه شما نمی‌دهم! هر چه به او اصرار کردیم کمترین کمکی به ما نکرد»!

حجت‌الاسلام حسین ابراهیمی نیز صحبت بنی‌صدر درباره اینکه «زمین بدهیم تا زمان بگیریم» را یک حربه و بهانه می‌داند و می‌گوید: «او اصلاً عکس‌العمل نشان نمی‌داد؛ یعنی هرچه عراقی‌ها جلو می‌آمدند و جایی را می‌گرفتند، بنی‌صدر عکس‌العملی نداشت و هر جا نیروهای مردمی می‌خواستند عمل کنند، مانع می‌شد. وقتی بنی‌صدر عزل شد؛ نیروهای مردمی و حزب‌اللهی وارد صحنه شدند و از کشور دفاع جانانه کردند. آن زمان سپاه هنوز شکل نگرفته بود، نیروهای حزب‌اللهی هم هر جا می‌خواستند وارد شوند بنی‌صدر مانع می‌شد و می‌گفت این نیروها ورود نکنند و حضور ارتش کفایت می‌کند. ارتش نیز آن زمان انسجام لازم را نداشت و ما داشتیم شکست می‌خوردیم.»

■ زمین بدهیم و زمان بگیریم!

«مرتضی محمودی» از بازماندگان حادثه هفتم تیرماه ۱۳۶۰، قبل از آغاز جنگ، نماینده مردم قصرشیرین، گیلانغرب و سرپل ذهاب در نخستین دوره مجلس شورای اسلامی بود. محمودی درباره اتفاقات قبل از شروع رسمی جنگ می‌گوید: «یک هفته قبل از آغاز حمله سراسری، من قصرشیرین بودم. عراق با خمپاره از خان‌لیلی، پرویزخان و... مرتب داخل شهر را می‌زد. من در مقر سپاه استراحت می‌کردم. تعدادی از خبرنگاران از روزنامه‌ها، صدا و سیما و جاهای مختلف آمده بودند، به همراه آنان به سرپل ذهاب، قصرشیرین، نفت‌شهر و سومار رفتیم. نیروی زیادی در مرز نبود. سپاه هنوز نیرو و تجهیزات زیادی نداشت. نیروهای ارتش نیز آنچنان نبودند که آنها هم با فاصله از مرز حضور داشتند. مرز هم از طریق پاسگاه‌های معمولی اداره می‌شد. آنجا بچه‌های سپاه به من گزارش دادند طبق اطلاعاتی که کسب کردیم، به احتمال قوی اول مهرماه صدام حمله خود را آغاز می‌کند. بنده این خبر را در تهران به مسئولان منتقل کردم. با این وجود، اقدام جدی برای ممانعت از ورود و هجوم عراقی‌ها به ایران صورت نگرفت. فرمانده سپاه قصرشیرین از افسرهای ارزشی ارتش بود که از قبل از انقلاب با هم ارتباط داشتیم، می‌گفت ما گریه می‌کردیم و می‌گفتیم حداقل ۱۰ تا مین به ما بدهید تا در گذرها بکاریم و وقتی عراقی‌ها آمدند، ترقه‌ای سر راه‌شان منفجر شود. این‌ها را انجام ندادند. این مربوط به چه زمانی است؟ زمانی که بنی‌صدر فرمانده کل قوا بود. بنی‌صدر شعارش این بود که قادر به مقاومت نیستیم و باید زمین بدهیم و زمان بگیریم. ما از این حرف خیلی ناراحت بودیم. زمین بدهیم یعنی اینکه زندگیمان که در مرز هستیم را بدهیم و شهرهایمان را ترک کنیم و خانه‌هایمان را ویران‌شده ببینیم.»

بنی‌صدر به عنوان فرمانده کل قوا هیچ‌گاه تحرکات و تهاجمات عراق پیش از ۳۱ شهریور را جدی نگرفت و با سهل‌انگاری و ساده‌اندیشی راه را برای گستاخی و جسارت بعثی‌ها باز کرد. در روزهایی که صدام ارتش بعث را به تمام تجهیزات مسلح می‌کرد و یارگیری منطقه‌ای و جهانی انجام می‌داد، ایران اقدام مناسبی جهت مقابله به کار نمی‌گرفت. آن روزها ارتش کشور با مشکلات متعددی دست به گریبان بود و نمی‌توانست یک‌تنه مقابل متجاوزان بایستد. تنها نیرویی که می‌توانست جلوی دشمن مسلح و مهاجم را بگیرد، جوانان معتقد و باخدایی بودند که با سلاح غیرت، قدرت و ایمان پا به میدان نبرد گذاشتند و اجازه نفوذ به دشمنان ندادند. همان طور که صدام پس از دستگیری‌اش اعتراف کرد ما با یک ارتش منظم که جنگیدن علیه آن آسان‌تر است، روبه‌رو نبودیم. غافلگیری بعثی‌ها از شجاعت رزمندگان ایرانی، نه تنها آنها را در روزهای نخستین جنگ به اهدافشان نرساند، بلکه با گذشت زمان آنها را از موضع تهاجمی به لاک دفاعی فروبرد.

طراح: علیرضا سجادی‌فر ■ شماره ۵۱۹۲

گزارش

اختلاف عقاید در جبهه داخلی

گره‌ای که بر گره‌های جنگ افزوده می‌شد

غلامحسین بهبودی

جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران، نه فقط در مرزها که درون کشورمان با شدت مثال‌زدنی دنبال می‌شد. در این سو اختلاف آرا و عقایدی وجود داشت که انگار بروز جنگ را بهانه‌ای برای باز کردن زخم‌های کهنه قلمداد می‌کرد و به اشکال مختلفی بروز می‌یافت. برخی از این اختلاف‌نظرها نیز حتی پیش از شروع جنگ وجود داشت و در مجموع ضربه سختی به جبهه داخلی وارد کرد.

■ شروع جنگ

بنی‌صدر و نحوه تعاملش با جنگ نمونه‌ای از اختلاف عقاید را به نمایش می‌گذارد. او به ظاهر انسانی تحصیلکرده بود و همین برگه برنده‌اش (تحصیلات آکادمیک) و خودبزرگ‌بینی که دچارش شده بود بدترین ضربات را به جبهه داخلی وارد کرد. در اینجا قرار نیست فقط به نقش بنی‌صدر پرداخته شود، او نماینده قشری است که پرچم علم را به دست می‌گیرند، اما چشم بر روی تمامی واقعیات عینی می‌بندند. در زمانی که عراق خود را تجهیز می‌کرد تا با تمام قوا به کشورمان حمله کند، همین عده بودند که در برابر تمامی هشدارها لبخندی معنادار می‌زدند و با نگاهی عاقل اندر سفیه تلقی خود از امور بین‌الملل را به رخ طرف مقابل می‌کشیدند.

این سخن که «با بررسی مراودات بین‌المللی، عراق هرگز به ایران حمله نخواهد کرد» سخنی بود که بارها از زبان این قشر شنیده شد و چشم به تمامی گزارش‌های رسیده از تحرکات عراق در مرزها بست تا اینکه عراق با تمام قوا به کشورمان حمله کرد. وقتی متوجه عمق اشتباه استراتژیک این قشر می‌شویم که عراق تنها در یک هفته اول جنگ حدود ۱۵ هزار کیلومتر مربع از خاک کشورمان را اشغال کرد.

■ اواسط جنگ

اختلاف عقیده دیگری که در داخل کشور وجود داشت و به جبهه داخلی ضربه زد، در اواسط جنگ خودش را نشان داد. یک گروه که سردمدارانش را باید حزب منحله نهضت آزادی بدانیم، افرادی بودند که از رأس قدرت کنار گذاشته شدند و جنگ را عاملی برای عقده‌گشایی قلمداد می‌کردند. این عده در صدد فرصتی بودند تا بغض فروخورده را باز کنند و چه فرصتی بهتر از تداوم جنگ بعد از فتح خرمشهر که بهانه لازم را به دست‌شان داد.

بعد از فتح خرمشهر وقتی نیروهایی ایرانی طی عملیات رمضان متوقف شدند و این عملیات به اهداف خود دست نیافت، بیانیه‌ای از سوی نهضت آزادی منتشر شد که در آن ادامه جنگ را نکوهش می‌کرد. در تداوم این اظهارنظرها مهندس بازرگان نیز کتاب خود تحت عنوان انقلاب ایران در دو حرکت را منتشر کرد و در فصل جنگ با عراق، تداوم جنگ را زیر سؤال برد. در نتیجه نهضت آزادی حمایت خود از جنگ را قطع و حضور در جبهه‌ها را تحریم کرد. اتفاقی که می‌توانست باعث دلسرد شدن اقشاری از مردم و عدم حمایت‌شان از جنگ شود.

■ پایان جنگ

یک‌سری اختلاف عقیده هم وجود داشت که هر چه به مقاطع پایانی جنگ نزدیک می‌شدیم، بیشتر خود را نشان می‌داد. مشکل در نحوه اتمام جنگ بروز می‌یافت. یک‌سری اعتقاد داشتند که جنگ باید در بغداد پایان یابد و گروهی دیگر می‌گفتند «در صورت اشغال بغداد جامعه جهانی با بمب اتم جلوی ما را خواهد گرفت.» کاملاً مشخص بود که این دو طرز فکر هرچند از اردوگاه انقلاب برمی‌خاستند، هرگز کاروان جنگ را به مقصد خوبی رهنمون نمی‌ساختند.

در یک مقطع از جنگ وقتی فرماندهان رده بالای سپاه از مرحوم هاشمی درخواست تجهیز ۱۵۰۰ گردان برای فتح بغداد، العماره و بصره را می‌کنند، با پاسخ تند وی مواجه می‌شوند چراکه به قول شمخانی، هاشمی اعتقاد به شعار جنگ جنگ با یک پیروزی داشت و معتقد بود با گرفتن یک هدف عمده مثل بصره یا فاو، باید جنگ را در میز مذاکره پایان داد. نتیجه این اختلاف نظرها باعث شد تا نهایتاً عملیات بزرگ ما با ۱۵۰ گردان انجام شود. (غیر از کربلای ۴ با ۲۵۰ گردان) تعداد نیروهایی که هرگز موفق به فتح بخش مهمی از خاک عراق نشدند و همواره به در بسته بصره برخوردند. هرچند فاو در زمستان ۶۴ اشغال شد، اما تصرف این شهر بندری نیز به اعتراف خود هاشمی، چیزی نبود که بتواند صدام را وادار به پذیرش شروط ایران کند.

من حیث‌المجموع برخلاف جبهه دشمن که از یک حرف واحد «فرامین صدام» پیروی می‌کرد در این سو اختلاف عقاید بسیاری وجود داشت که باعث شد هرگز تمامی قوای کشور در خدمت جنگ قرار نگیرند. چه در شروع جنگ که اهمال‌کاری‌ها و خیانت‌های بسیاری صورت گرفت، چه در اواسط جنگ که جبهه‌گیرهای دلسردکننده را شاهد بودیم و چه در سراسر جنگ که اهداف پیش روی سیاسیون و نظامی‌ها متفاوت بودند، همگی گره‌ای بر گره‌های جنگ می‌افزودند.

جدول

از راست به چپ

■ ۱- محل کسب درآمد- کرم روده ■ ۲- کبوتر دشتی- پوتین- فتوکپی خشک ■ ۳- دنباله- از جزایر مهم ژاپن بین خاک اصلی آن کشور و تایوان- لخت ■ ۴- باران اندک- جفن- شکل زمین- بازداشتن ■ ۵- دستگاهی برای پخش صدا- رأی و نظر مجتهد- مجموعه چند کوپه قطار ■ ۶- ماه ششم میلادی- به جز- لقب حاکم و فرمانروای قسمتی از سرزمین هند ■ ۷- پسوند آلودگی- انبوهی- نماد لاغری- بغل ■ ۸- غذایی از قطعات گوشت کباب شده گاو- سپاسگزاری ■ ۹- ضمیر غایب- شامه‌نواز- از شهرهای استان اصفهان- توده و انبار غله ■ ۱۰- شکرگزار- پدر ادریس نبی- حمام ورزشکار ■ ۱۱- باقی مانده حساب- کلی و همگی- الفبای تلگراف ■ ۱۲- پرستار- از شهرهای استان زنجان- سلاح نویسندگان- برخی از آن کره می‌گیرند ■ ۱۳- چه وقت- از گل‌های پیازی و گلدانی که گل‌هایش چون گل شیپوری است- کودک ■ ۱۴- گلی زینتی از تیره چلیپاییان با گل‌های زرد مایل به سفید – گاز تنفسی- شاعر مبارز و معاصر کشور اسپانیا ■ ۱۵- صاحب‌منصب نظامی- برداشت شخصی از مفاهیم

از بالا به پایین

■ ۱- از گازهای تشکیل‌دهنده هوا- خودداری کردن ■ ۲- از شهرهای گیلان- جواب پشتک- ژانری سینمایی ■ ۳- کشتی رزمنده- اشعه مجهول- در این سوره قرآن بیشترین قسم یاد شده است- دریا ■ ۴- نفس- پایتخت چین- فاسد و خراب- خمیازه ■ ۵- میوه تلفنی- از غزوات پیامبر(ص)- از خدایان مصر باستان ■ ۶- چرم مصنوعی- جواب مثبت- توپ برگشتی از سبد بسکتبال ■ ۷- بیماری مرگبار گی حیوانات- غذایی شبیه کتلت- اسب قهوه‌ای رنگ ■ ۸- صدای یکنواخت ساعت- همسایه کامرون ■ ۹- سرکش- رخداد- پرچم ■ ۱۰- شایسته- اولین قومی که در ایران تشکیل حکومت داد- سنجیدن ■ ۱۱- میوه موکتی- جاسوس- ترش و شیرین ■ ۱۲- نظرات- از بین بردن علف‌های هرز کشاورزی- خونابه- نفس خسته ■ ۱۳- علامت مفعول- چراغ آسمان- کالا- پاک ■ ۱۴- صادق و بی‌ریا- از استادان آواز فقید کشورمان- درختی با برگ‌های پنجه‌ای ■ ۱۵- فاقد منش و اراده استوار- از میوه‌های درختی

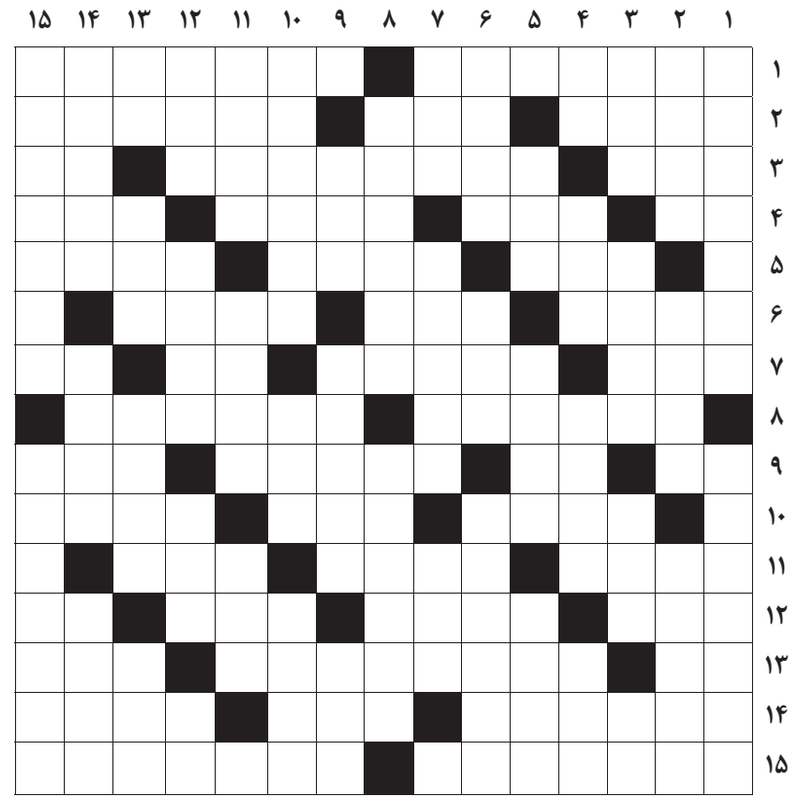

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

				۹	۸			
			۱			۹	۴	۲
	۱		۵					
			۶	۴				
۳						۴	۵	۷
	۹	۵				۱		
			۸		۳			
۲	۴						۷	
						۵		۱

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۵۱۹۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	ک	م	ن	■	ل	ی	ل	ی	و	م	چ	ن	و	ن
۲	و	ر	ت	ی	چ	■	ب	ا	ک	■	س	ی	ل	س	ت
۳	ت	ی	م	س	ا	ر	■	ی	ش	ت	■	ل	و	ا	ف
۴	و	ا	م	■	م	ا	ل	■	ن	ر	خ	■	د	ی	ه
۵	ر	س	■	گ	■	ک	ا	ل	ب	د	■	ق	ی	ل	■
۶	س	■	ف	ل	ک	■	د	ب	ه	■	س	ل	س	■	س
۷	ی	د	ط	و	ل	ی	■	ن	■	ز	ر	ع	■	چ	ن
۸	ک	م	ر	■	ا	ز	ت	■	ب	ی	د	■	ص	د	ا
۹	ل	ه	■	ن	س	ک	■	چ	■	ب	ا	ت	خ	ت	ی
۱۰	ت	■	ب	ن	ه	■	ا	ر	ث	■	ب	ش	■	ر	ی
۱۱	■	ک	ا	ه	■	ک	ن	ت	و	ر	■	ت	■	ب	غ
۱۲	ح	ا	م	■	د	ر	ه	■	ر	م	ش	■	م	ی	ز
۱۳	ا	م	د	ن	■	ه	د	ی	■	س	ا	ر	ب	ا	ن
۱۴	ر	و	ا	ی	ت	■	ا	خ	ذ	■	خ	و	د	ر	و
۱۵	ب	ا	د	ا	م	ز	م	ی	ن	ی	■	ش	ا	ه	ی